

بازشناخت سیره‌نگاران شیعی و بررسی عوامل رشد نگارش سیره‌نبوی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در بین شیعیان در قرن سوم و چهارم هجری

ناهید طیبی^۱

زهرا بهجتی پور^۲

چکیده

نگارش سیره‌نبوی، از جمله علایق نگارشی مسلمانان در قرون نخستین اسلام به‌شمار می‌رود که همواره تحت تأثیر عوامل و زمینه‌های تاریخی گوناگون بوده است. مسئله مورد توجه در تحقیق حاضر، بررسی کتب سیره‌نبوی و شخصیت شیعیان سیره‌نگار در قرون سوم و چهارم و میزان تأثیرپذیری از دستگاه عباسیان در زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی است. انتخاب این بازه زمانی، به دلیل اهمیت تعدد سیره‌نویسی‌نبوی در این دوره است که بعدها منبعی برای ارجاعات نویسندگان پسین گردید. مقاله حاضر درصدد پاسخ به این پرسش است که چه عواملی در قرن سوم و چهارم، در رشد سیره‌نگاری‌نبوی در بین شیعیان تأثیرگذار بوده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد اقدامات و نگرش‌های برخی خلفای عباسی از جمله مأمون، معتصم و واثق در سال‌های ۱۹۸ تا ۲۳۲ ق، که در عصر اقتدار و اوج قدرتمندی بودند، توانست فضای مناسبی برای نویسندگان سیره فراهم سازد و این حاکی از رشد فرهنگ و تمدن در این دوران است. از سویی دیگر، دوران حکومت آل بویه، نقش بسزایی در رونق و جذب عالمان و نویسندگان داشته و حمایت آنان، باعث نشر بیشتر کتب و ترویج فرهنگی در قالب مذهبی است. در این میان، شورش‌ها و جدال‌های سیاسی و نیز نفوذ ترکان در قلمرو خلافت عباسی، تأثیر مهمی در ضعف و افول تمدن و فرهنگ اسلامی نهاد و پایه‌های حکومت را سست کرد و سرانجام، سرنگونی آن را سرعت بخشید.

واژگان کلیدی: سیره، سیره‌نگاری، سیره‌نبوی، شیعیان سیره‌نگار، قرن سوم، قرن چهارم.

۱. دکتری تاریخ اهل بیت علیهم‌السلام، مدرس و پژوهشگر جامعه الزهراء علیها‌السلام، tayyebi110@yahoo.com

۲. سطح چهار تاریخ اهل بیت جامعه الزهراء علیها‌السلام، مدرس و پژوهشگر جامعه الزهراء علیها‌السلام، ایران، قم، zbehgaty@yahoo.com

مقدمه

از میان زیرشاخه‌های تاریخ اسلام، سیره‌نگاری به عنوان یکی از شاخه‌های کهن، حجم بسیار گسترده‌ای را حول محور پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم‌السلام به خود اختصاص داده و از جایگاه والایی در تاریخ اسلام برخوردار است. به سبب جایگاه پیامبر ﷺ در تاریخ اسلام و توصیه قرآن به اسوه قرار دادن آن حضرت، مسلمانان کوشیدند سیره و رفتار پیامبر ﷺ را ثبت و ضبط کنند. سیره‌نگاری با موضوع پیامبر، به صورت گسترده، در محافل علمی و تحلیلی نگارش یافته است؛ اما تا کنون با نگرش تطوری، به تفصیل بررسی نشده است. نوشتار حاضر درصدد پاسخ به این پرسش است که کتب سیره که درباره پیامبر در قرن‌های سوم و چهارم هجری نگاشته شده، چه تحولات و دگرگونی‌هایی را در برداشته است؟

در میان پژوهش‌های جدیدی که در مورد سیره‌نگاری صورت گرفته است، هیچ‌یک به تحلیل جامع و مستقلی در مورد عوامل و زمینه‌های رشد سیره‌نویسی نبوی در این دوره زمانی نپرداخته‌اند؛ اما در برخی آثار، نشانه‌هایی از ورود به این موضوع دیده می‌شود. کتاب «تطورشناسی سیره‌نگاری با تکیه بر نقش اصحاب امامان» از حسین حسینیان مقدم، با رویکرد علمی، تطور سیره‌نگاری را با تأکید بر آثار امامان شیعه مورد بررسی قرار داده است. هادی یعقوب‌زاده در پایان‌نامه «رویکردهای سیره‌نگاری پیامبر اعظم ﷺ به وسیله شیعیان از ابتدای عصر پهلوی تا عصر حاضر (۱۳۰۴-۱۳۸۵)» به بررسی رویکردهای سیره‌نگاری شیعیان در دوره متأخر و بررسی علل و عوامل آنها پرداخته که در نوع خود، نوآورانه بوده و به لحاظ روشی، کمک بسیاری در روند این پژوهش داشته است. علاوه بر دو تحقیق فوق در مسئله مورد پژوهش به عنوان منابع مفید، می‌توان به آثاری دیگری نیز اشاره کرد: کتاب «میراث مکتوب شیعه» به قلم سیدحسین مدرسی طباطبایی، نقش شیعه را در سه قرن نخست هجری بررسی کرده است. مقاله «سیره‌نگاری در تاریخ اسلام» از محمد طیبی و «تحلیلی بر سیره‌نگاری شیعیان تا قرن پنجم» حسینیان مقدم، روشمندان به بحث سیره‌نگاران شیعی پرداخته و به تحلیل و بررسی ۲۰ نفر از سیره‌نگاران شیعه پرداخته است. همچنین در مقاله «تاریخ تدوین سیره نبوی ﷺ» اثر امیره ضمیری و محمد الیاس عبدالغنی، اسامی سیره‌نگاران در دو بخش جداگانه و مستقل، بدون ترتیب زمانی بیان

شده است. نوشتار پیش رو تلاش دارد تغییرات و دگرگونی‌های صورت‌گرفته در قرن سوم و چهارم هجری در سیره‌نویسی نبوی را تحلیل کند.

شناخت سیره پیامبر ﷺ به عنوان یک منبع فقهی، برای مسلمانان حائز اهمیت بوده و همین امر در شکوفایی سیره‌نویسی موثر بوده است. یافته‌ها نشانگر آن است که تحول تدریجی و سبک نگارش سیره‌نویسان، در تک‌نگاری‌ها و کتب تواریخ عمومی، در آثار متعددی که از سیره‌نویسان برجای مانده، هویدا است که می‌توان با مطالعه دقیق و تحلیل منابع، این تحول و تطور را دریافت.

۱. مفهوم‌شناسی

بررسی دقیق مسئله، نیازمند تعریف اصطلاحات پژوهش است. از این رو، متناسب با موضوع پژوهش، ابتدا مفاهیمی چون سیره و سیره‌نویسی، که در فهم و تبیین مسئله دخالت بسزایی دارند، مورد واکاوی قرار می‌گیرد.

۱.۱. سیره

نظر به وجود معانی متعدد و متنوع برای واژه سیره، صاحب‌نظران و مورخان سیره‌نویس در ارائه یک تعریف واحد و روشن، اختلاف نظر دارند (بخشی، ۱۳۹۳، ص ۵۲۹). سیره در لغت به معنی روش، راه، طریقه، هیئت و سنت است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۴، ص ۳۸۹-۳۹۰). سیره در قرآن به معنای طریقه و روش (طه: ۲۱) آمده و به هر حالت خوب و بد انسان و غیرانسان گفته می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۴۲۰، ص ۲۴۷) که این حالت، ممکن است فطری و اکتسابی باشد (همان، ۱۴۱۲، ص ۴۳۳). برخی به دلیل مداومت و استمرار سیره، آن را به سنت تعبیر کرده‌اند (الجوهری، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۲۱۳۹)؛ بنابراین در مفهوم سیره باید مداومت و استمرار جاری باشد و افعالی که به صورت موردی انجام شود، در قلمرو سیره نخواهد بود.

سیره در اصطلاح، به آثاری گفته می‌شود که مربوط به وقایع صدر اسلام، شرح احوال و تاریخ غزوه‌های پیامبر ﷺ، شرح حال ائمه علیهم‌السلام بوده و راه و رسم آنها در رفتار و گفتار و کیفیت موضع‌گیری آنان در برابر رویدادها و حوادث را گزارش کند (آیینه‌وند، ۱۳۸۸، ص ۱۷۵)

تعریف سیره به زندگینامه پیامبر ﷺ (اسپوزیتو، ۱۳۹۱، ص ۱۵۹) با معنای لغوی آن، که دارای ویژگی استمرار است، ناهماهنگ است. استاد مطهری بر این عقیده است آنچه که در مفهوم سیره، از جهت لغوی بیان شده، سیراست نه سیره؛ زیرا در آن، به رفتار پیامبر ﷺ توجه داشته‌اند و نه به سبک رفتار پیامبر ﷺ (مطهری، ۱۳۹۵، ص ۴۵-۴۶). به نظر می‌رسد سیره، شامل رفتار، گفتار و جنگ‌های پیامبر ﷺ است که حاوی یک نوع سبک و روش می‌باشد. از جهت زمانی، برخی بر این عقیده‌اند که ابن هشام (۲۱۸ق) اولین بار سیره را به کار برده است، عده‌ای، محمد بن مسلم بن شهاب زهری (۱۲۴ق)، ابوالفرج اصفهانی از زهری گزارش کرده است. از قرن دوم به بعد، اصطلاح سیره، جای مغازی را گرفت و به جای غزوات پیامبر، برآثار و رویدادهای زندگی حضرت اطلاق شد؛ از این رو واژه «السیره النبویه» یا «سیره رسول الله» از سوی راویان اخبار نبوی رایج شد. (یعقوب‌زاده، ص ۲۹)

۱.۲. سیره‌نویسی^۱

سیره‌نویسی از دیرباز دارای اهمیت عظیمی در تمدن و فرهنگ اسلامی بوده است. سیره‌ها یا زندگی‌نامه‌های اولیه، سجایا و فضایل اصحاب پیامبر ﷺ را برمی‌شمردند (اسپوزیتو، ۱۳۹۱، ص ۱۵۸). قدیمی‌ترین گزارش‌های ضبط شده، شامل وقایع زندگانی پیامبر ﷺ در قبل و بعد از بعثت و حوادث و جنگ‌های زمان پیامبر ﷺ می‌باشد. در نگارش سیره نبوی، علاوه بر محدثان، مورخین نیز دست داشتند، اما قبل از نوشتن سیره، به صورت شفاهی و سینه به سینه نقل می‌شده است. با توجه به داده‌های تاریخی، در اینکه اولین سیره‌نویس نبوی چه کسی بوده است، اختلاف وجود دارد. برخی، عروه بن زبیر بن عوام (۹۶ یا ۱۰۵ق) و برخی دیگر، افرادی همچون محمد بن اسحاق (حدود ۱۵۰-۱۵۱ق) و سهل بن ابی حثمه (۴۱ق) را نخستین سیره‌نویس گفته‌اند (سیدجوادی، ۱۳۹۱، ج ۹، ص ۴۸۳-۴۸۴). شیعیان سهم بسزایی در سیره‌نویسی پیامبر ﷺ داشتند. بنا به نقل برخی منابع، ابن عباس، اولین شخص امامی است که کارهای پیامبر ﷺ را مکتوب می‌کرد (ابن‌سعد،

۱. BIOGRAPHY AND HAGIOGRAPHY.

بی تا، ج ۲، ص ۳۷۱. سیره نویسان به علت اهمیت جایگاه پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام، در کنار سیره نبوی، به نگارش زندگی ائمه پرداختند و آثار بسیاری را تدوین کردند. (بخشی، ۱۳۹۳، ص ۵۳۱)

۲. وضعیت فرهنگی و اجتماعی شیعیان (در قرن سوم و چهارم)

نظام خلافت عباسی، به ویژه در دوران نخستین خود، حکومتی عظیم و باشکوه جلوه گرمی کرد که توانسته بود سیطره خود را بر باختر آسیا و شمال افریقا بیفکند. دولت عباسی، چهارده سرزمین، شامل ۸۳ منطقه بزرگ را تصرف کرده بود که امروزه کشورهای بسیاری در محدوده جغرافیایی آن قرار دارند (زیدان، ۱۳۸۲، ص ۸۰-۸۱). در دوران نخستین حیات خلافت عباسی (۱۳۲-۳۳۴ ق)، قبل از ورود دولت آل بویه، خلافت با خیزش های سیاسی و اجتماعی روبه رو بود. جریان های فکری و اجتماعی بغداد در قرن سوم، جهت گیری های سیاسی مهمی را در برداشت که می توان به شعار الرضا من آل محمد ﷺ اشاره کرد. درباره شورش و جنبش هایی که در حیطه اجتماعی شکل گرفت، می توان به خوارج، زنگی ها و قرمطیان اشاره کرد که با اهداف عباسیان در تعارض بود. بنابراین، می توان گفت تمدن اسلامی، که در بردارنده فرهنگ غنی اسلامی است، در قرن سوم، در دوره بالندگی خود، پذیرای نخبگان بسیاری از نقاط مختلف جهان بود و در رشد تمدن و فرهنگ اسلامی، تأثیر نهاد. در این حال، نویسندگان و مورخان، فضای مناسبی برای تألیف پیدا کردند و حکام عباسی برای جذب دانشمندان و اهل علم، تدابیری را به کار بستند (الهامی، ۱۳۹۳، ص ۲۸۷-۲۸۸) که عبارتند از: الف) ایجاد مراکز علمی و پژوهشی: ایجاد فضای مناسب برای فعالیت های علمی از جمله تأسیس بیت الحکمه بغداد توسط مامون (دورانت، ۱۳۶۷، ج ۶، ص ۲۵۹) که زمینه مناسبی برای دانشمندان فراهم آورد.

ب) بزرگداشت عالمان و علم: خلفای عباسی، به علم و دانش ارزش و اهمیت می دادند. منصور نخستین خلیفه ای بود که به طور رسمی به نقل و ترجمه متون کهن علمی توجه کرد، اگر چه این امر غالباً در دو زمینه طب و نجوم خلاصه می شد. ادامه روند نهضت علمی که منصور آغاز کرده بود هم چنان با فرازونشیب هایی جدی در عصر مهدی عباسی دنبال شد. تجهیز کتابخانه بیت الحکمه و دستیابی به کتاب های ارزشمند علمی سایر سرزمین ها در سرلوحه

سیاست مأمون قرار داشت، با ارسال نامه‌هایی برای سران و حاکمان سرزمین‌های روم، قبرس، صقلیه (سیسیل) و خراسان، از آن‌ها خواست تا کتاب‌های قدیمی بویژه آثار فلسفی را برای او ارسال دارند. مأمون همچنین گروهی از دانشمندان را بدان جا فرستاد و آنها کتب زیادی در علوم مختلف با خود آوردند که به دستور مأمون، به ترجمه آنها پرداختند. (ابن ندیم، ۱۳۸۱، ص ۳۰۴)

ج) تأمین اقتصادی دانشمندان: پس از بنای شهر بغداد توسط عباسیان، نخستین ساکنان آن مردمانی از بخش‌های خاوری ایران بودند و حقوق اهل علم، از این شهر تأمین می‌شد. در واقع می‌توان گفت که این حمایت‌های مالی حکام سبب شده بود تا عالمان و دانشمندان، با خیالی آسوده به فعالیت‌های علمی و تحقیقات خود بپردازند. مأمون چندان به گسترش علم بها می‌داد که هم‌وزن کتاب‌هایی که در بیت الحکمه ترجمه می‌شد، طلا می‌داد (دورانت، ۱۳۶۷، ج ۶، ص ۱۴۷). در پرتو این بخشش‌ها و حمایت‌های مالی، بغداد به کانون مراکز علمی جهان مبدل شد و دانشمندان، از اقصی نقاط جهان اسلام در آنجا جمع شدند (حتی، بی‌تا، ص ۳۷۸)

د) حاکمیت سیاسی

در دوران واثق (۲۲۷-۲۳۲ق)، نهمین خلیفه عباسی، نفوذ و دخالت ترکان در همه امور، فزونی یافت؛ به گونه‌ای که یکی از آنان لقب سلطان گرفت (سیوطی، ۱۴۲۴، ص ۳۵۸). در عصر دوم عباسی، ترکان از نظر سیاسی و نظامی، جایگاهی ویژه و مناصبی مهم یافتند. ورود آنان به ساختار قدرت، بر ضعف خلافت و دیوان سالاری افزود و اختلافات درونی را به بار آورد. ترکان که از فرهنگ، تمدن و دانش، بی‌بهره بودند و در امور حکومتی و سیاست تجربه‌ای نداشتند، نه تنها نتوانستند ناآرامی‌ها را سامان بخشند؛ بلکه باعث از هم‌گسیختگی ساختار درونی خلافت شدند. از نظر ابن‌اثیر، از نیمه قرن سوم، ساختار خلافت به شدت از هم متلاشی شد و رشته امور از دست حکام خارج گردید که در نتیجه، وزارت و سازمان اداری دولت از بین رفت (ابن‌اثیر، ۱۳۷۱، ج ۸، ص ۶۱۹). متوکل (۲۳۲-۲۴۷ق)، دهمین خلیفه عباسی، برخلاف مأمون، که پیرو عقل‌گرایی معتزلی بود، به اهل حدیث و مکتب اشعری گرایش داشت. این رویکرد خلیفه، دوری از دانش و اندیشه‌های فلسفی را به دنبال آورد و روحیه تساهل و تسامح سیاسی و مذهبی را از جامعه باز ستاند. مسعودی می‌نویسد: زمانی که متوکل به خلاف رسید، امر کرد که هرگونه تدبیر و اندیشه و

بحث و گفتگو در مجادلات تعطیل شود و آنچه از عقلانیت در دوره مأمون (۱۹۸-۲۱۸ق)، معتصم (۲۱۸-۲۲۷ق)، واثق (۲۲۷-۲۳۲ق) و دیگر خلفای عباسی رایج شده بود، ترک گردد. مردم ملزم شدند تا روش تقلید و تسلیم را در پیش گیرند و هرگونه عقل و اندیشه را کناری نهند. وی دستور داد اهل حدیث، اخبار و حدیث گویند و سنت را ظاهر کرده و جماعت را زنده کنند (مسعودی، ۱۴۱۱، ج ۴، ص ۳). به نظر می‌رسد؛ با این رویکرد و ایدئولوژی، باب تعامل و گفتگو بسته شد و در نتیجه، زمینه سست شدن فرهنگ و تمدن اسلامی پایه‌گذاری گردید. از نیمه قرن سوم، دوران خلافت معتمد (۲۵۶-۲۷۹ق)، معتضد (۲۷۹-۲۸۹ق) و مکتفی (۲۸۹-۲۹۵ق)، به دلایل مختلف (درونی و بیرونی)، نشانه‌های ضعف و فتور در ساختار خلافت عباسی آشکار و همگام با آن، زمینه‌های فرسایش تمدن و فرهنگ در جامعه اسلامی نمایان شد. این روند، موجب ضعیف شدن اقتدار عباسیان و خطر تجزیه مناطق تحت سیطره آنها گردید؛ به ویژه اینکه پیدایش امیران نیمه مستقل شیعی در نقاط مختلف همچون حمدانیان و فاطمیان و نیز سیاستی که آنها در جذب دانشمندان و عالمان به دربار خود در پیش گرفتند، به تقویت پایه‌های حکومتی ایشان انجامید. خصوصیتی که در این دوره از اهمیت بسزایی برخوردار است این که شیعیان در این دوره، همه اخبار و آثار را به امام علی علیه السلام و اهل بیت او برمی‌گرداندند که این روش با برخوردهای شدید اهل سنت مواجه گردید. (متز، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۸۱)

اوضاع دینی و مذهبی نقش بسزایی در بستراجماع و مشروعیت حاکمیت دارد. در عصر آل بویه، عموم مردم ایران و عراق، متشکل از فرقه‌های مختلف اسلامی و تابع یکی از مذاهب اهل تسنن بودند و در مناطق مختلف نظیر خراسان، اصفهان، گرگان و آذربایجان پراکنده شده بودند. در این دوره، اعتقادات گوناگون و مناقشات و مباحث علمای مذاهب مختلف با یکدیگر ثبت شده است و این موضوع، تبعاتی به بار آورد. به عنوان نمونه تعصبات عوام الناس در اختلافات مذهبی رواج یافت که این مسئله به امراء نیز سرایت کرد (فقیهی، بی‌تا، ص ۴۳۹-۴۴۱). در سال ۳۱۷ ق فتنه بزرگی در بغداد رخ داد^۱ (السیوطی، ۱۴۲۴، ص ۲۵۵).

۱. علت اختلاف، در مورد آیه ۸۲ سوره اسراء است که بین حنبلیان و غیر آنان رخ داد.

فراز و نشیب‌های خلافت عباسی و تضادها و تعارض‌های درونی، عامل اصلی فروپاشی حکوت عباسی در بغداد شد. تجزیه قلمرو سرزمین‌های اسلامی به صورت مستقل و نیمه مستقل، از مهم‌ترین آسیب‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی این دوران به شمار می‌رود که این موضوع، بر سرنوشت جامعه و رکود فرهنگ و تمدن و اسلامی تاثیر نهاد. همچنین رقابت امیران نواحی برای تصاحب مقام امیرالامرای در مرکز خلافت و درگیری‌هایی که بین آنها صورت گرفت، باعث ایجاد ناامنی اجتماعی و نابسامانی‌های سیاسی - اقتصادی در دارالخلافه گردید و سبب شد که نهادهای تمدن و فرهنگ اسلامی (بیت الحکمه) و دیوان سالاری منسجم از بین برود و بدین سان، اهل علم و دانشمندان، از مرکز خلافت دور شوند که این خود ضربه بزرگی بر پیکره فرهنگ و تمدن اسلامی وارد آورد. (الهامی، ۱۳۹۳، ص ۳۶۲-۳۶۳)

در اواخر سده سوم تا اواسط سده چهارم، اوضاع عراق ناآرام بود و قدرت عباسیان متزلزل شده بود. مشکلات جامعه رو به فزونی نهاده بود و مردم نیاز به حکومتی جدید داشتند تا در پناه آن به نابسامانی‌ها خاتمه دهد.

با ورود آل بویه (۳۲۰-۴۴۸ ق) اوضاع سیاسی نسبتاً آرام شد. آل بویه در آغاز تصمیم به جداسازی خلافت خود داشت، ولی با فتح بغداد، بر قلمرو خلافت عباسی تسلط یافت و به تناوب، در شهرهای مختلف حکومت کرد؛ چراکه در این دوره، سلطه خلافت عباسی محدود شد و شیعیان، فضای گسترده‌ای برای ابراز عقائد و مذهب خود یافتند. این دوران را می‌توان دوره طلایی و شکوفایی فرهنگ و تمدن اسلامی دانست. اهمیت تولید علم و دانش در رشد و شکوفایی تمدن و فرهنگ جامعه، بر کسی پوشیده نیست و این مسئله، در تعامل با دولت ظاهر می‌شود. پس از استقرار امیران شیعی آل بویه بر ساختار قدرت و امیرالامرای، آنان توانستند با نگاه داشتن ظاهری جایگاه حکومت عباسی حدود یکصد سال بر قلمرو اسلامی حکومت کنند. (ابن خلدون، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۷۵۶)

امیران آل بویه در زمینه توسعه فرهنگی دست به اقدام زدند. اقدام اول آنان، تقویت آداب و رسوم اجتماعی بود. معزالدوله (۳۳۴-۳۵۶ ق) اقدامات ارزنده‌ای در جامعه اسلامی انجام داد و لذا از پشتوانه مردم شیعی، که بدان نیاز داشتند، برای مشروعیت حکومت خود برخوردار

شدند. ذهبی می‌نویسد: معزالدوله دستور داد مردم در روز عاشورا برای امام حسین علیه السلام مراسم عزاداری برپا کنند، مغازه‌ها را ببندند، جامعه عزای بپوشند و همه در سوگ حسین علیه السلام عزادار باشند (ذهبی، ۱۴۱۱، ج ۲۶، ص ۱۱) و همچنین در عید غدیر خم، به جشن بپردازند (همان، ج ۲۷، ص ۹). اقدام دیگر، اهمیت دادن به علم و دانش بود. دولتمردان آل بویه از راه‌های گوناگون، در گسترش علم در جامعه کوشیدند. اولین دارالعلم در جهان اسلام، در سال ۳۳۴ ق در عصر آل بویه ساخته شد. ابونصر بن شاپور، وزیر بهاء‌الدوله پس از خریداری خانه ابوالکرخ و تعمیر آن، کتب بسیاری در آن قرار داد و آن را دارالعلم نامید و سپس آنجا را برای دانشمندان و فقهاء وقف کرد (ابن‌کثیر، ۱۴۰۷، ج ۱۱، ص ۳۱۲)

اوج اقتدار آل بویه، از جهت تسلط سیاسی و خدمات فرهنگی و اجتماعی، در زمان عضدالدوله (۳۳۸-۳۷۲ ق) است. به نظر می‌رسد که آل بویه با این اقدامات خود، در رشد دانش و جذب دانشمندان و تدوین کتب علمی تأثیر مثبتی داشته‌اند. شیعه در این دوران، با فراز و نشیب‌های فراوانی روبه‌رو بود ولی با فعالیت‌های گوناگون و تأثیرگذاری در حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی موجب شدند که بعداً عباسیان از سوی آنها احساس خطر کردند و فشارها و سخت‌گیری‌هایی به ائمه علیهم السلام و شیعیان اعمال کردند.

۳. شخصیت‌شناسی شیعیان سیره‌نگار در قرن سوم و چهارم

از سده‌های نخستین، مشغله ذهنی متفکران و عالمان اسلامی در حوزه مسائلی بود که با موضوع جان‌شینی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ارتباط می‌یافت. می‌توان گفت یکی از دغدغه‌های علمای اسلامی، حفظ گفتار و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، در کنار قرآن بود که برای نسل‌های بعد باقی بماند تا بتوان در مسائل گوناگون به آن مراجعه کرد. در نتیجه، احادیث را در سینه‌های خود حفظ کردند و برای اینکه احادیث جعلی از اصلی متمایز شوند، سلسله‌ای از علوم مختلف پدید آمد. در کنار این علوم، دانش سیره‌نویسی و انساب، از دیگر علومی بودند که در قرن‌های نخستین به آنها توجه شد. از نظر ابن‌خلدون، در دوره صحابه و تابعین، به تعلیم و تدوین نیازی نبود و مسلمانان به استناد حدیث ثقلین، مستقیماً به قرآن و سنت نبوی رجوع می‌کردند، تا اینکه فاصله بین صدور

روایات و نقل آنها طولانی و وضع تفسیر قرآن و تفسیر احادیث صحیح و استخراج احکام ضروری شد. (ابن خلدون، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۵۴۳-۵۴۵)

سزگین در مقدمه اش بر کتاب سیرت رسول الله ﷺ، سعید بن سعد بن عباد را سیره نویس معرفی کرده و وی را جزو سیره نویسان نخستین می داند و نام وی را پیش از نام سهل بن ابی حثمه (خیثمه) آورده (رک: حسینیان مقدم، ۱۳۹۵، ص ۴۸-۴۹؛ سزگین، بی تا، ص ۶۵ و محمد بن عبدالله بن عمر (مقدمه)، ۱۳۸۲، ص ۲۱) که احتمالاً سال وفات وی را پیش تر از سهل دانسته اند. از نظر نویسنده (حسینیان مقدم) سعید بن سعد بن عباد، کتابی در سیره نبوی نداشته است از جمله ابن ندیم، نجاشی و طوسی، کتب رجالی خود نامی از وی نبرده اند. طبق گزاره های تاریخی، سعید بن عمرو بن شرحبیل از سعید، نقل روایت کرده است (بخاری، ۱۴۰۶، ج ۳، ص ۴۹۸ و ابن حجر، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۴۷۶). بنابراین چنین به نظر می رسد که نویسنده کتاب تطورشناسی سیره نگاری با تکیه بر نقش اصحاب امامان علیهم السلام، بر این عقیده است که نمی توان سعید را جزو سیره نگاران نخستین دانست و از این رو، سهل بن ابی حثمه از نخستین سیره نگاران است. (حسینیان مقدم، ۱۳۹۵، ص ۴۹)

۱. هشام بن محمد کلبی (م ۲۰۶ ق)

از اصحاب امام صادق علیه السلام و اهل کوفه است. وی کتاب ازواج النبی ﷺ و امهات النبی ﷺ را نگاشته است (ابن ندیم، ۱۳۸۱، ص ۱۰۸-۱۱۱). ابومخنف استاد وی بوده (ابن سعد، بی تا، ج ۶، ص ۳۴۲) و از روایات ابومخنف در کتابش بهره گرفته است. هشام در هشت شاخه تاریخی تألیفاتی پدید آورد و بعد از وی، شیعه در ازواج نگاری آثاری را پدید آوردند.

۲. محمد بن ابی عمیر (م ۲۱۷ ق)

صحابی امام کاظم علیه السلام و امام رضا علیه السلام و اهل بغداد بود (طوسی، بی تا، ص ۲۱۸). کتاب وی المغازی است و شیعه و سنی او را تمجید کرده اند (همان، ص ۲۱۸-۲۱۹). وی در نگارش کتابش از روایات استادش ابان بن عثمان احمر و ابان بن تغلب (نجاشی، ۱۴۱۷، ص ۱۲) استفاده کرده است. با توجه به رویکرد تعاملی او با اهل سنت، می توان گفت روش وی در نگارش، مناقب نگاری بوده است.

۳. هارون بن مسلم بن سعدان (م نیمه دوم قرن ۳)

هارون از اصحاب امام هادی علیه السلام و امام حسن عسکری علیه السلام بود و در سامراء سکونت داشت.

برخی با وجود توثیق هارون، معتقدند که او قائل به جبر و تشبیه او بوده است. (نجاشی، ۱۴۱۷، ص ۴۳۸). وی المغازی را درباره زندگی پیامبر ﷺ تدوین کرد (همان)

۴. علی بن حسن بن فضال (زنده در ۲۷۰-۲۹۰)

یا علی بن حسن معروف به ابن فضال تیمی، از اصحاب امام هادی علیه السلام و امام حسن عسکری علیه السلام بود (طوسی، ۱۳۷۳، ص ۳۸۹-۴۰۰). وی در اواخر عمر، از عقائد فطحیه به امامیه گروید (نجاشی، ۱۴۱۷، ص ۳۴-۳۶). کتاب اسماء آلات رسول الله ﷺ و وفاه النبی ﷺ از آثار اوست. عیاشی می‌گوید: وی تمام کتب ائمه را در اختیار داشته است (طوسی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۸۱۲). ابن فضال از منابع فطحی و زیدی بهره برده است. (نجاشی، ۱۴۱۷، ص ۲۵۵-۲۸۸)

۵. ابراهیم بن محمد ثقفی (م ۲۸۳ ق)

ابراهیم بن محمد اهل کوفه و ابتدا زیدی مذهب بود و سپس به شیعه امامیه گروید (تستری، ۱۴۲۲، ج ۷، ص ۲۸۱). برخی از رجال شناسان اهل سنت در کتب خود از ثقفی با القاب «غالیاً فی الرفض» که این خود مؤیدی بر امامی بودن اوست. بیشتر تألیفات وی تاریخی هستند که معروفترین آنها، الغارات است. یکی دیگر از آثار او، المغازی (نجاشی، ۱۴۰۷، ق، ص ۱۷) نام دارد که درباره جنگ‌های پیامبر ﷺ است. این کتاب در دست نیست. با توجه به منابع تاریخی، آثار ثقفی در نزد مورخان شیعه مورد توجه بوده و در کتب خود از آن نام برده‌اند (بخشی، ۱۳۹۳، ص ۲۲۰-۲۲۱). تاریخ و سیره نبوی تدوین یافته و مورد اهتمام ثقفی، سیره‌های است با رویکرد درون مذهبی، که تأکید بر جایگاه اهل بیت علیه السلام، از شاخصه‌های آن به شمار می‌رود. عالمان شیعی، رویکرد مثبتی به آثار ثقفی داشتند و احادیث بسیاری از وی در کتب‌های تاریخی و کلامی شیعه به چشم می‌خورد. (اکبری سولگان، ۱۳۹۷، ص ۱۰۶)

۶. ابوجعفر احمد بن محمد بن خالد برقی (م ۲۷۴ یا ۲۸۰ ق)

از علمای قرن سوم، از اصحاب امام رضا علیه السلام و امام جواد علیه السلام و از عالمان و مؤلفان شیعه در سیره و مغازی نبوی است. برخی وی را توثیق نموده و او را از مشاهیر و بزرگان قم دانسته‌اند (نجاشی، ۱۴۱۷، ص ۷۶ و طوسی، بی تا، ص ۲۰-۲۱). کتاب معروف وی، المحاسن است و المغازی را در باب غزوات پیامبر ﷺ تدوین کرده است. از تألیفات دیگر او، بنات النبی و ازواجه است (نجاشی،

همان، ص ۷۶-۷۷؛ طوسی، همان، ص ۲۰) که این دو کتاب، مفقود است و اثری از آنها نیست.

۷. حسن بن خُزْزاد (خُزْزاد) قمی (م قرن ۳ ق)

در تاریخ وفات و تولد ابن خُزْزاد اختلاف است و در کتب رجالی، چیزی گفته نشده است؛ ولی به نقل از استادش، برقی، در قرن سوم یا اوائل قرن چهارم می زیسته است (عیاشی، بی تا، ج ۲، ص ۱۱۳). نویسنده اعیان الشیعه در مورد اینکه وی در اواخر عمر به غالیان روی آورده (نجاشی، ۱۴۱۷، ص ۴۴) می گوید: این اتهام نسبت به وی بی اساس است، زیرا قمی ها آنچه را که غلونیست، غلو می دانند (امین، بی تا، ج ۵، ص ۶۳). وی کتاب اسماء رسول الله ﷺ را نگاشت. (نجاشی، ۱۴۱۷، ص ۴۴)

۸. حسین بن حَمدان (م ۳۵۸ م)

ابوعبدالله، حسین بن حَمدان خصیبی به اعتبار وطنش حَضمینی جنبلائی، است در مورد مذهب او، دو دیدگاه وجود دارد، برخی از رجال شناسان شیعه، وی را فاسد المذهب می دانند (نجاشی، ۱۴۱۷، ص ۶۷) و عده ای وی را عالم، محدث دانسته و جایگاه مثبتی برای وی قائل شده اند (امین، بی تا، ج ۵، ص ۴۹۰-۴۹۱). خصیبی کتاب اسماء النبی و الائمه را نوشت که در مورد پیامبر ﷺ است (طوسی، بی تا، ص ۱۱۰) اثر وی مفقود است و در آثار بعدی نویسندگان، نامی از آن برده نشده است. روش وی در نگارش، مجموعه نگاری بوده است.

۹. حسین بن محمد بن علی آزدی (م اواخر قرن ۳ ق)

ابوعبدالله حسین بن محمد بن علی آزدی (خویی، ۱۴۱۳، ج ۷، ص ۸۴) و هم عصر کلینی (۳۲۹ ق) است. کتاب الوفود علی النبی ﷺ (نجاشی، ۱۴۱۷، ص ۵۲) زا اوست که در مورد اطاعت پذیری قبایل مختلف از پیامبر ﷺ است. علمای رجالی از وی با عنوان «ثقه من اصحابنا» یاد کرده اند (همان، ص ۵۲) که قرینه ای بر امامی بودن اوست.

۱۰. مُنْذِر بن محمد بن مُنْذِر القابوسی

ابوالقاسم منْذِر بن محمد بن منْذِر بن ابی الجهم قابوسی، از خاندان قابوس بن نعمان بن منْذِر است (رجال نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۴۱۸). در منابع رجالی، اطلاعات زیادی در مورد زندگی و تاریخ وفات وی ذکر نشده است. علمای رجالی از وی با عنوان «ثقه من اصحابنا» (همان، ص ۴۱۸) یاد کرده اند که قرینه ای بر امامی بودن اوست. کتب تاریخی وی عبارتند از: وفود العرب الی النبی ﷺ،

الجمال، الصنفین و الغارات. قابوسی در فقه نیز تخصص داشته و جامع الفقه را تدوین کرده است.

۱۱. علی بن ابراهیم قمی (زنده در ۳۰۷ ق)

علی بن ابراهیم بن هاشم قمی، روایات و احادیث فراوانی از بزرگان خود مانند: ابان احمر، ابن ابی عمیر و ابن قداح نقل کرده است (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۲۶۰). در سال وفات او اختلاف است. به نقل از آنچه صدوق می‌آورد، وی در سال ۳۰۷ ق به ابن حمزه نامه نوشته است (صدوق، ۱۴۱۷، ص ۳۲۷). وی در موضوعات گوناگون از جمله تاریخ، آثار مکتوب متعددی دارد. کتاب مغازی و فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام و المناقب (نجاشی، ۱۴۱۷، ص ۲۶۰) و... از آثار اوست. با توجه به استفاده وی از احادیث کوفیان در قم، میتوان گفت که مغازی او با محوریت فضایل نگاری بوده که نگرش وی را می‌رساند. (حسینیان مقدم، ۱۳۹۷، ص ۲۶)

۱۲. عبدالعزیز جلودی (م ۳۳۲ ق)

عبدالعزیز بن یحیی جلودی، از نویسندگان پرکار شیعی است. در برخی از منابع رجالی، از وی با القاب من اصحابنا، ثقه و امامی مذهب یاد شده است (ابن ندیم، ۱۳۸۱، ص ۱۸۹). وی علاوه بر تدوین کتب تاریخی، در مورد سیره و موضوعات مرتبط با پیامبر صلی الله علیه و آله، پنج اثر را نگاشت که عبارتند از: اخبار الوفود علی النبی صلی الله علیه و آله، قطائع النبی صلی الله علیه و آله، خطب النبی صلی الله علیه و آله و ابی بکر و عمر (نجاشی، ۱۴۱۷، ص ۲۴۳)

۱۳. احمد بن دؤل قمی (م ۳۵۰ ق)

احمد بن محمد بن حسین بن حسن بن دؤل قمی، از محدثان و مورخان پرکار شیعه است. بزرگان رجالی، آثار زیادی از وی نام برده (همان، ص ۹۰) و او را با لقب «فاضل امامی» (زرکلی، ۱۹۸۹، ج ۱، ص ۲۰۸) یاد کرده‌اند که قرینه‌ای بر مذهب امامی اوست. وی در زمینه فقه و حدیث کتاب نوشته (نجاشی، ۱۴۱۷، ص ۷۰)

۱۴. شیخ صدوق (م ۳۸۱ ق)

ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، مشهور به شیخ صدوق، محدث و فقیه امامی، از نویسندگان پرکار شیعی است که تألیفات زیادی در زمینه فقهی، روایی و تاریخی

(مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۳۶-۳۷) دارد. کتاب اوصاف النبی ﷺ (نجاشی، ۱۴۱۷، ص ۳۹۱) تنها اثر وی در مورد پیامبر ﷺ بوده که مفقود است. در آثار شیخ صدوق، رویکرد روایی مشهود است.^۱

۴. ویژگی‌های سیره‌نگاری شیعیان در قرن سوم و چهارم

۴.۱. محتوای سیره‌نگاری‌ها در قرن سوم و چهارم

در تحول سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دولت عباسی، سیره‌نگاری از اهمیت بسزایی برخوردار بود. سیردر قرن دوم و قبل از آن، در کنار سیره نبوی، تک‌نگاری‌هایی از قبیل واقعه و اخبار و نظایر آن صورت گرفت. در این دوران، سیره‌نویسی در موضوعات مختلف و با تنوعی خاص در قالب تاریخ‌نگاری نگارش یافت. می‌توان سیره‌نگاری را از حیث محتوا و اثراتی که از اجتماع و دولت می‌پذیرد، به‌عنوان همگرا در کنار تاریخ‌نگاری، مجموعه‌نگاری، دلایل‌نگاری و تواریخ عمومی تلقی کرد.

در قرن سوم، در مناطق اسلامی، مکاتبی در بصره، کوفه، مدینه، شام و یمن و... سربرآوردند و سرچشمه تاریخی و تمدن اسلامی که در نوشته‌های مصنفین سیره و تاریخ آشکار بود، به اوج خود رسید. تلاش و کوشش مسلمانان، مواد تاریخی گسترده‌ای را در تاریخ روایی و تاریخ‌نگاری فراهم آورد و فرآورده‌های تاریخ‌نگاری در دست تازه‌مسلمانان قرار گرفت که در زمان اعتلای تمدن اسلامی، تاریخ‌نگاری و در کنار آن، سیره‌نگاری را به کمال خود رساندند. سیطره عظیم خلافت عباسی بر سرزمین‌های مختلف آن روز و حکومت بر جامعه آنان، گسترش تمدن اسلامی را با خود آورد و نژادها، اقوام، تمدن‌ها، طبقات و اقالیم در حوزه‌های تمدنی اسلام وارد شد. هر کدام از این حوزه‌ها به نوبه خود منشأ تأثیراتی بر اندیشه جوان و پویای مسلمانان و شاخه‌های معرفتی آن بود که خواه و ناخواه حوزه معرفت تاریخی را نیز تحت تأثیر خود قرار داد. (حضرتی، ۱۳۸۲، ص ۹۰)

در قرن سوم، سطح نگارش نویسندگان، سامان‌مند و منسجم بود. براین اساس، بیشتر بر مبنای تک‌نگاری به صورت زمانی یا تک‌موضوعی شکل می‌گرفت که در قرن بعد بروز و ظهور گسترده‌تری

۱. برای اطلاع بیشتر رجوع شود به مقاله، حسینیان مقدم، ۱۳۹۷، ص ۷-۳۹.

یافت. در این قرن، تاریخ‌نویسی محلی رایج شد و مسلمانان در این باره آثاری نگاشتند. در این تاریخ‌ها، به احوال اجتماعی و متعارف مردم توجه بیشتری شده است. محتوای این‌گونه کتاب‌ها بر سه‌گونه: اطلاعات جغرافیایی، تاریخی و رجالی است. در بسیاری از این قبیل منابع، بخش رجالی و شرح حال‌نگاری، مفصل‌ترین بخش است (جعفریان، ۱۳۸۹، ص ۳۰). از جمله تاریخ‌های محلی معروف می‌توان به تاریخ بخارا، تاریخ سیستان، تاریخ بیهقی و تاریخ نیشابور اشاره کرد. همچنین تاریخ المدینه المنوره از عمر بن شبه (۲۶۲ م) از مورخان معروف قرن سوم و اخبار مکه از ازرقی و نیز اخبار مکه اثر فاکهی نیز قابل اشاره است که مورد اخیر، از آثار بسیار مهم تاریخی مربوط به شهر مکه است. (همان، ص ۳۱)

دلایل‌نگاری، یکی از گرایش‌هایی است که سیره‌نویسان در قرن سوم بدان روی آوردند. کتاب دلایل، کتاب حدیثی است و مأخذ آن، نخست کتب صحاح است، ولی با این حال از کتاب‌های مغازی بی‌بهره نبوده است. یکی از مهم‌ترین آنها کتاب بیهقی است. دلایل از نگاه بیهقی و دیگران، به معنای خاص معجزه است؛ ولی محتوای آن اخباری است که به هر صورت، مربوط به شخص پیامبر ﷺ و سیره می‌باشد. (همان، ص ۹ و ۶۵)

۴.۲. روش سیره‌نگاری در قرن سوم و چهارم

پیشینه روشی که در کتاب‌های طبقات در تاریخ‌نگاری رایج است به قرن سوم برمی‌گردد. کتاب الطبقات الکبری از ابو عبدالله محمد بن سعد (۲۳۰ م)، نخستین اثر موجود از طبقات است. نویسنده در این کتاب به احوال پیامبر ﷺ، صحابه، تابعین و علماء تا روزگار خود پرداخته است (ابن ندیم، ۱۳۸۱، ص ۱۱۱). در قرن چهارم، آثار مؤلفان در قالب تک‌نگاری و مجموعه‌نگاری در سیره نبوی ﷺ نوشته شد. از جمله تک‌نگاری‌ها در سیره نبوی ﷺ، کتاب فضل النبی ﷺ اثر سعد بن عبدالله اشعری (۳۰۱ ق) از صحابه امام حسن عسکری علیه السلام و از افراد بنام قم بوده است. (نجاشی، ۱۳۶۵، ۱۷۷-۱۷۸)

در قالب مجموعه‌نگاری سیره نبوی ﷺ، می‌توان به کتاب تاریخ یعقوبی از احمد بن واضح یعقوبی (حدود ۲۸۴ ق) که در کتاب خود بخشی را به سیره پیامبر ﷺ اختصاص داده است،

اشاره کرد. شیوه نگارش کتاب، تاریخی و سیرت‌دوین کتاب، براساس سرفصل‌های تاریخی است (جعفریان، ۱۳۸۹، ص ۱۲۲)

از نویسندگان معروف شیعی، شیخ صدوق (۳۸۱ق) است که در شخصیت‌شناسی سیره‌نگاران معرفی شد. صدوق رویکرد روایی داشته و این رویه در آثارش مشهود است. کتاب وی، اوصاف النبی ﷺ و الزهد نام دارد که درباره پیامبر ﷺ است. (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۳۹۱)

در قرن سوم و چهارم، مورخان برجسته‌ای به تألیف تاریخ عمومی روی آوردند که به شکل‌های مختلفی، حوادث تاریخ را بیان می‌کند. این نویسندگان، به دلیل اهمیتی که به جایگاه و منزلت پیامبری دادند سعی کردند که گزارش‌ها و احادیث منسوب به پیامبر را با سند ذکر کنند. این مسئله به دلیل رواج احادیث کذبی بود که ریشه در اقدامات عباسیان برای رسیدن به اهداف خود داشت. این اقدام در سیره و کتب تاریخی وارد شد. این روش حتی در کتاب‌های تاریخ‌نگاری نسب‌شناسانه، مانند بلاذری هم تا اندازه‌ای رعایت شده که اتفاقاً همین ویژگی، مهم‌ترین امتیاز این آثار است.

۵. عوامل و زمینه‌های رشد سیره‌نگاری‌ها در قرن سوم و چهارم

رشد سیره‌نگاری نبوی ﷺ متأثر از انگیزه‌ها و عوامل فرهنگی، اجتماعی و سیاسی حاکم بر جامعه نویسنده است که در رویکرد نویسنده و بر رشد کمی و کیفی سیره‌نگاری تأثیر می‌گذارد. برخی از عوامل موثر در رشد سیره‌نگاری عبارتند از:

۵.۱. عوامل اجتماعی و سیاسی

زمینه‌های اجتماعی و سیاسی دو مفهوم درهم‌تنیده‌اند که تأثیر زیادی بر هم می‌گذارند و ارتباط نزدیکی با حاکم و دولت اسلامی دارند. طبیعی است که گرایش‌های سیاسی هر یک از خلفای عباسی، در ایجاد فضای وسیع اجتماعی برای نویسندگان مؤثر بوده است. مأمون عباسی (۱۹۸-۲۱۸ق) برخلاف خلفای قبلی خود، دارای یک رویکرد دینی و سیاسی بود که این ویژگی، برخاسته از گرایش‌های شخصی اوست. وی در خراسان، شعار الرضا من آل محمد ﷺ را احیاء

نمود و این کار را برای جلب نظر شیعیان و مسلمانان که طرفدار امامان علیهم‌السلام بودند، انجام داد. در نیمه قرن دوم، که بنی عباس توانستند پایه‌های حکومت خود را تثبیت کنند، به تدریج فشارها بر امامان علیهم‌السلام و شیعیان افزایش یافت، به گونه‌ای که امام موسی کاظم علیه‌السلام مدت زیادی را در زندان سپری کرد. در قرن سوم، این فشارها و محدودیت‌ها برای امامان علیهم‌السلام بیشتر شد و با شروع غیبت امام زمان علیه‌السلام، این محدودیت، گسترش یافت و دسترسی شیعیان به امام علیه‌السلام محدودتر گشت. همه این عوامل، در استفاده از علم امامان علیهم‌السلام ایجاد خلل کرد و از این رو، شیعیان برای دسترسی به روایات ائمه علیهم‌السلام به تدوین آثاری در قالب «اصل» و «کتاب» در سیره پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و یا تک‌نگاری پرداختند. (یعقوب‌زاده، ص ۴۳)

با وجود تحولات خلافت عباسیان، نمی‌توان از تاثیر وجود و نقش مؤثر برخی امامان معصوم علیهم‌السلام در زمینه رشد سیره نبوی و پرورش شاگردان غافل شد. با باز شدن فضای سیاسی و فرهنگی در دوران عباسیان، افراد زیادی که دوستدار اهل بیت بودند، راهی مدینه شدند. بعد از امام صادق علیه‌السلام، خلفای عباسی، فشار زیادی را بر ائمه علیهم‌السلام وارد ساختند، به نحوی که آنها نمی‌توانستند رسالت خود را به نحو احسن انجام دهند و تنها به پرورش شاگرد محدود شد. در قرن سوم هجری، سیره‌نویسان آثاری متعددی در گونه‌های مختلف تاریخ نگاشتند که بیشتر از حوادث تاریخی پس از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم متأثر بود؛ گرچه انتظار می‌رفت که این نگارش‌ها اغلب در حوزه موضوع پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت علیهم‌السلام باشد، ولی غالباً به صورت تک‌نگاری و آن نیز به درخواست حاکمان و یا حوادثی صورت می‌گرفت که برای نویسنده مهم بود. به نظر می‌رسد شرایط شیعیان در نسبتشان با خلافت عباسیان، در مدت زمانی حدود نیم قرن، در ضعف نگارش موضوعات تاریخی و سیره نبوی مؤثر بوده است. در قرن سوم، مصادف با حکوت مأمون عباسی تا دوره المکتفی بالله، رشد سیره‌نویسی نبوی بیشتر در موضوعات تاریخ پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، تاریخ اهل بیت علیهم‌السلام و فتوح بود. مأمون، به علم دوستی معروف بود. ویل دوران می‌نویسد: مأمون هر سه شنبه برای مناظره در باب فقه و کلام در مجلس می‌نشست. فقیهان و سایر اندیشمندان که می‌بایست با او مناظره می‌کردند، پس از حضور، به اتاق مفروشی می‌رفتند. او با آنان با ملایمت و انصاف و به دور از تکبر مناظره می‌کرد. (دوران، ۱۳۶۷، ج ۴، ص ۲۵۸)

۵.۲. عوامل فرهنگی و اجتماعی

در زمان مأمون، نگارش کتب علمی به عربی صورت گرفت و از آنجا که خود به مباحث علمی علاقه داشت، آن را به مهم‌ترین مرکز علمی و آموزشی جهان اسلام بدل نمود (الهامی، ۱۳۹۳، ص ۲۳۱). و علماء و دانشمندان علوم دیگر را تشویق می‌کرد. می‌توان گفت توجه به رویکرد عقلی و اعتقاد به معتزله، یکی از علل توجه وی به علم و دانش بود. اقداماتی که وی برای فعالیت‌های علمی دانشمندان فراهم ساخت و آنها را تشویق و حمایت می‌کرد، زمینه مناسب و فضای گسترده‌ای برای مورخین و سیره‌نویسان فراهم آورد تا با آسودگی خاطر بنگارند. برخی از فعالیت‌های فرهنگی که در زمان وی صورت گرفت، گردآوری کتب علمی به ویژه فلسفه، ترجمه کتب، پایه‌گذاری مناظره بین ادیان مختلف و نگارش کتب علمی به عربی بود (همان، ص ۲۱۴-۲۱۲) که از مهم‌ترین عوامل رشد سیره‌نگاری محسوب می‌شود. بدین ترتیب، در دوران حاکمیت مأمون، شاهد یک نهضت علمی گسترده در تمدن اسلامی هستیم. علاقه شیعیان به ائمه علیهم‌السلام و توصیه‌های موکد ایشان برای ثبت و نگارش، به توسعه روند سیره‌نگاری کمک شایانی کرد.

قرن چهارم، ورود آل بویه به ساختار حکومت اسلامی بود. در این دوران، دانشمندان و مورخان بسیاری، همچون شیخ مفید (۴۱۳م) و مسعودی (۳۴۵م)، در علوم مختلف از جمله سیره‌نویسی پرورش یافتند. به نظر می‌رسد یکی از دلایل مهم آن، وجود حکام و دربار (ابن اثیر، بی‌تا، ج ۸، ص ۴۸۹) و کوشش دولت در برانگیختن و جلب نظر مردم به دانش و علم بود (ابن مسکویه، ۱۳۶۹، ج ۶، ص ۴۸۱ و ج ۷، ص ۸۸). برخی از حاکمان فرهنگ دوست آل بویه، همچون شرف‌الدوله (۳۷۲-۳۷۹ق)؛ بهاء‌الدوله (۳۸۸-۴۰۳ق) و تاج‌الدوله پسران عضدالدوله و نیز مجدالدوله (۳۸۷-۴۲۰ق) در فارس، خود دوستدار دانش و یا اهل علم بودند (طوقوش، ۱۳۹۱، ص ۲۶۸) و همین امر سبب شد که بسیاری از افراد دانشمند، در وزارت و یا منصب دیگر راه یابند. حضور فعال و وسیع دانشمندان و عالمان در دربار خلفای آل بویه و در کنار آن، فراهم ساختن کتابخانه‌ها، از دیگر عوامل نگارش سیره نبوی به شمار می‌آید. (مقدسی، ۱۳۶۱، ج ۲، ص ۶۶۸-۶۶۹)

شرایط فرهنگی و اجتماعی به وجود آمده، زمینه مناسبی برای رشد و توسعه فرهنگ و دانش بود که آل بویه، نقش بسزایی در آن داشتند. ابن مسکویه می‌نویسد: دانش‌های مرده، زنده شد.

مردان آن (پراکنده بودند) جمع شدند. جوانان به آموختن روی آوردند و پیران به تعلیم دادن. ذوق و سلیقه‌ها به خروش آمد. بازار کساد علم و دانش رونق گرفت و هزینه سنگین این کارها، تمامی از بیت المال پرداخت میشد (ابن مسکویه، ۱۳۷۶، ج ۶، ص ۴۸۱-۴۸۲). شیعی بودن آل بویه، یکی دیگر از عوامل رشد سیره‌نگاری بود و شیعیان، احساس آزادی عمل بیشتری به دست آوردند تا بتوانند افکار و عقاید خود را به نگارش درآورند.

در دوران آل بویه، که یکی از عرصه‌های مهم برای شیعیان است، آثار شیعیان در موضوع سیره نبوی، علاوه بر رشد کمی، از رشد کیفی نیز برخوردار شد. علی‌رغم اقدامات خلفای عباسی برای جلوگیری از رشد سیره‌نویسی و با وجود کاهش نگارش آثار سیره در دوران پسین، سیره‌نگاری در این دوران رشد بسیاری یافت.

نتیجه‌گیری

شیعیان سیره‌نگار، با وجود چالش‌های دوره عباسی و با توجه به تأکید قرآن کریم و سفارش‌های ائمه معصومین علیهم‌السلام در حفظ سیره پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و جایگاهی که در بین مسلمانان داشت، مکتوبات بسیاری در حوزه سیره پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم تدوین کردند. با وجود همه محدودیت‌هایی که خلفای عباسی در مقابل ائمه علیهم‌السلام و شیعیان به کارگرفتند، برخی از نویسندگان شیعی توانستند با راهنمایی ائمه علیهم‌السلام، به گسترش افکار و اندیشه‌های اسلامی بپردازند. در دوره آل بویه، آنان با سیاست تسامح و تساهلی که با فرقه‌های مختلف سیاسی و مذهبی و مکاتب کلامی و فلسفی در پیش گرفتند، توانستند پایه‌های حکومت خود را محکم کنند. حاکمان آل بویه، روحیه مدارا و علم‌دوستی داشتند و این عوامل، فضای بسیار مناسبی را برای نویسندگان شیعی فراهم کرد. در این زمان، آثار شیعیان، علاوه بر رشد کمی، از رشد کیفی نیز برخوردار بود. براساس یافته‌های این تحقیق و با توجه به منابع تاریخی، رشد سیره‌نگاری، که بی‌ارتباط با تمدن و فرهنگ نیست، در عصر آل بویه (قرن سوم و چهارم)، پرشکوه‌ترین دوره پیشرفت فرهنگ و تمدن بود و دستاوردهای ارزشمندی در قالب کتب سیره نبوی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در عرصه‌های گوناگون به جامعه اسلامی تقدیم کرد. یکی از نتایج مهم این پژوهش، این است که رشد و توسعه فرهنگ و تمدن، بدون پشتوانه و حمایت حاکمان

جامعه اسلامی میسر نمی‌باشد. به هر روی، با توجه به عوامل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی حاکم بر جامعه اسلامی (در قرن سوم و چهارم هجری) شاهد رشد سیره‌نویسی نبوی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از سوی مؤلفان شیعه هستیم. تعداد کتبی که در موضوع پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نگاشته شد، در قرن سوم و کتاب و در قرن چهارم، ۱۲ کتاب را می‌توان نام برد.

فهرست منابع

الف) کتاب

قرآن کریم

۱. ابن اثیر، علی بن محمد، ۱۳۷۱ش، *تاریخ کامل اسلام و ایران*، ترجمه: ابوالقاسم حالت و عباس خلیلی، تهران: مؤسسه مطبوعاتی علمی.
۲. ابن اثیر، علی بن محمد، بی تا، *الکامل فی التاریخ*، تحقیق: ابوالفداء عبدالله القاقی، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۳. ابن حجر، احمد بن علی، ۱۴۱۵ق، *الاصابه فی تمییز الصحابه*، تحقیق: عادل احمد عبدالموجود و دیگران، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۴. السیوطی، جلال الدین عبدالرحمن، ۱۴۲۴ق، *تاریخ الخلفاء*، تحقیق: ابراهیم صالح، بیروت: دار صار.
۵. ابن حجر، عسقلانی، ۸۵۲ق، *فتح الباری شرح صحیح البخاری*، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۶. ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، ۱۳۸۳ش، *العبر*، ترجمه: عبدالمحمد آیتی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۷. ابن سعد، محمد، بی تا، *الطبقات الکبری*، بیروت: دار صار.
۸. ابن کثیر الدمشقی، ابوالفداء اسماعیل بن عمر، ۱۴۰۷ق/ ۱۹۸۶م، *البدایه و النهایه*، بیروت: دار الفکر.
۹. ابن مسکویه رازی، احمد بن محمد، ۱۳۶۹ش، *تجارب الامم*، تحقیق: ابوالقاسم امامی، تهران: سروش.
۱۰. _____، ۱۳۷۶ش، *تجارب الامم*، ترجمه: علینقی منزوی، تهران: توس.
۱۱. ابن منظور، جمال الدین محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ق، *لسان العرب*، تحقیق و تصحیح: جمال الدین میردامادی، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
۱۲. ابن ندیم، محمد بن اسحاق، ۱۳۸۱ش، *الفهرست*، تحقیق: محمدرضا تجدد، تهران: اساطیر.
۱۳. اسپوزیتو، جان ال، ۱۳۹۱ش، *دایره المعارف جهان نوین اسلام*، ترجمه، تحقیق و تعلیق: حسن طارمی، محمد دشتی و مهدی دشتی، تهران: معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۴. امین، سیدمحسن، بی تا، *اعیان الشیعه*، بیروت: دار التعارف.
۱۵. آیینوند، صادق، ۱۳۸۸ش، *سیره نبوی و سیره نگاران*، تهران: خانه کتاب.
۱۶. بخاری، محمد بن اسماعیل، ۱۴۰۶ق، *التاریخ الصغیر*، تحقیق: محمد ابراهیم زائد، بیروت: دار المعرفه.
۱۷. بخشی، منصوره، ۱۳۹۳ش، *تاریخ نگاران امامیه و روشها و گونههای تاریخ نگاری آنها از قرن اول تا هفتم هجری قمری*، قم: انتشارات جامعه الزهراء.
۱۸. تستری، محمدتقی، ۱۴۲۲ق، *قاموس الرجال*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین.
۱۹. جعفریان، رسول، ۱۳۸۹ش، *سیره رسول خدا ﷺ*، قم: دلیل ما.
۲۰. الجوهری، اسماعیل بن حماد، ۱۴۰۷ق، *الصحاح، تاج اللغه و صحاح العربیه*، تحقیق: احمد عبدالغفور العطار، بیروت: دار العلم للملایین.

۲۱. حنّی، فیلیپ، بی تا، تاریخ عرب، ترجمه: ابوالقاسم پایینده، تبریز: شفق.
۲۲. حسینیان مقدم، حسین، ۱۳۹۵ش، *تطورشناسی سیره نگاری با تکیه بر نقش اصحاب امامان علیهم السلام*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۲۳. حضرتی، حسن، ۱۳۸۲ش، *دانش تاریخ و تاریخ نگاری اسلامی*، قم: بوستان کتاب.
۲۴. خوبی، سید ابوالقاسم، ۱۴۱۳ق، *معجم الرجال الحديث*، قم: انتشارات الثقافه الاسلامیه.
۲۵. سیدجوادی، احمد صدر سیدجوادی، فانی، کامران و خرمشاهی، بهاء الدین (زیر نظر)، ۱۳۹۱ش/۱۴۳۳ق، *دایره المعارف تشیع*، تهران: انتشارات حکمت.
۲۶. دوران، ویل، ۱۳۶۷ش، *تاریخ تمدن*، ترجمه: احمد آرام و دیگران، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
۲۷. ذهبی، ابی عبدالله محمد بن احمد بن عثمان، ۱۴۱۱ق/۱۹۸۸م، *تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الاعلام*، تحقیق: عمر عبدالسلام تدمری، بیروت: دار الکتب العربی.
۲۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۲۰ق، *محاضرات الادباء و محاورات الشعراء و البلغاء*، بیروت: دارقم.
۲۹. _____، ۱۴۱۲ق، *مفردات ألفاظ القرآن*، بیروت: دار القلم.
۳۰. زرکلی، خیرالدین، ۱۳۸۹م، *اعلام قاموس تراجم لاشهر الرجال والنساء من العرب والمستعربین والمستشرقین*، بیروت: دار العلم للملایین.
۳۱. زیدان، جرجی، ۱۳۸۲ش، *تاریخ تمدن اسلام*، ترجمه: علی جواهرکلام، تهران: امیر کبیر.
۳۲. سرگین، فؤاد، ۱۴۱۲ق.، *تاریخ التراث العربی*، ترجمه: فهیمی حجازی، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۳۳. صدوق، محمد بن علی، ۱۴۱۷ق، *الأمالی*، تحقیق: ناشر، قم: البعثه.
۳۴. طقوش، محمد سهیل، ۱۳۹۱ش، *دولت عباسیان*، مترجم: حجت الله جودکی، (با اضافات رسول جعفریان)، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۳۵. طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۰۴ق، *اختیار معرفه الرجال*، تحقیق: سید مهدی رجایی، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث.
۳۶. _____، بی تا، *الفهرست*، نجف اشرف: المكتبه الرضویه.
۳۷. _____، ۱۳۷۳ش، *رجال الطوسی (الابواب)*، تحقیق: جواد قیومی اصفهانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۸. عیاشی، محمد بن مسعود، بی تا، *تفسیر عیاشی*، رسولی محلاتی، قم: المكتبه العلمیه الاسلامیه.
۳۹. فقیهی، علی اصغر، بی تا، *آل بویه و اوضاع ایشان با نموداری از مردم آن عصر*، تهران: سمت.
۴۰. متز، آدام، ۱۳۶۴ش، *تمدن اسلامی در قرن چهارم*، ترجمه: علیرضا ذکاوتی قراقرلو، تهران: چاپخانه سپهر.
۴۱. مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۳ق، *بحار الانوار*، تهران: الاسلامیه.
۴۲. محمد بن عبدالله بن عمر، ۱۳۸۲ش، *خلاصه سیرت رسول الله ﷺ*، مقدمه: اصغر مهدوی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

۴۳. مسعودی، علی بن حسین، ۱۴۱۱ق/۱۹۹۱م، *مروج الذهب و معدن الجواهر*، تحقیق: عبدالامیر مهنا، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۴۴. مطهری، مرتضی، ۱۳۹۵ش، *سیری در سیره نبوی*، تهران: انتشارات صدرا.
۴۵. مقدسی، محمد بن احمد، ۱۳۶۱ش، *أحسن التقاسیم فی معرفه الأقالیم*، ترجمه: علینقی منزوی، تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایران.
۴۶. نجاشی، احمد بن علی، ۱۴۱۷ق، *رجال نجاشی*، تحقیق: سید موسی شبیری زنجانی قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۴۷. _____، ۱۳۶۵ش، *رجال النجاشی*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجامعة المدرسین.
۴۸. _____، ۱۴۰۷ق، *رجال نجاشی*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۴۹. الهامی، علی، ۱۳۹۳ش، *ساختار قدرت سیاسی خلافت عباسیان و تأثیر آن بر تمدن اسلامی (از آغاز تا پایان قرن چهارم هجری)*، قم: دفتر نشر معارف.

ب) مقاله

۱. حسینیان مقدم، حسین، ۱۳۹۷ش، «تحلیلی بر سیره نگاری شیعیان تا قرن پنجم»، *تاریخ اسلام*، ش ۷۳، بهار، ص ۷-۳۹.
۲. عبدالغنی، محمد و ضمیری، امیره، ۱۳۸۱ش، «تاریخ تدوین سیره نبوی»، *فرهنگ کوثر*، ش ۵۰، تابستان، ص ۴۷-۵۲.

ج) پایان نامه

۱. یعقوبزاده، هادی، ۱۳۹۶ش، «رویکردهای سیرهنگاری پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله به وسیله شیعیان از ابتدای عصر پهلوی تا عصر حاضر (۱۳۰۴-۱۳۸۵ش)»، قم، دکتری، دانشگاه شهید بهشتی.

